



دربارهٔ

نگارش زبان آذربایجانی



بهزاد بهزادی

نگارش واژه‌های دخیل در زبان آذربایجانی

همکاران ثابت «اثر دیلی و ادبیاتی» مقرر داشتند که موضوع نگارش واژه‌های دخیل به منظور جمع‌بندی از عملکرد و نتایج مورد بررسی مجدد قرار گیرد. یادداشت‌هایی برای ارائه در این جلسات تهیه شده بود، که ماحصل بحث‌ها به زبان فارسی آماده شده و منتشر می‌گردد.

ضمناً نظریاتی که در مقدمه کتاب‌های «آذربایجانجا- فارسجا سؤزلوک» و «آذربایجان دیلی نین یضاحلی لؤغتی» و نیز در نشریه «درباره نگارش زبان آذربایجانی» که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ انتشار یافته و نسخ آن نایاب است، ضمیمه این مقاله انتشار می‌یابد تا مراجعه به آنها سهل‌تر باشد. اگرچه در همین مقاله ناگزیر از تکرار پاره‌ای از نکات مندرج در آن نوشته‌ها هستیم.

موضوع مورد بحث

واژه‌های وارده از زبان‌های دیگر به ویژه از عربی و فارسی به زبان امروز آذربایجانی را چگونه باید بنویسیم؟

درباره این موضوع نظریات مختلفی اظهار شده که در جای خود در این مقاله بدانها اشاره خواهد شد و عمدتاً در این خصوص دو نظر کلی وجود دارد:

۱- لغات دخیل، صرف‌نظر از تعلق آنها به زبان عربی و فارسی و غیره به شکل و هیئتی که در زبان فارسی نوشته می‌شود، در زبان ترکی نیز به همان شکل نوشته شود.

۲- واژه‌های غیرترکی که در زبان آذربایجانی کاربرد دارد جزء کلمات رایج زبان بوده، همان‌طور که از لحاظ تلفظ، دستوری و مفهوم و معنی تابع قواعد زبان آذربایجانی است، در املا نیز باید مطابق قواعد نگارش لغات آذربایجانی یکسان نوشته شود.

نظر غالب این است که مصوت‌های ۹ گانه زبان آذربایجانی با حروف و نشانه‌هایی در متن کلیه کلمات ترکی نوشته شود. ولی در این مورد نیز ملاحظات بحث‌انگیز وجود دارد.

به عبارت دیگر، بحث بر سر این است که مصوت‌های نه‌گانه آذربایجانی را که به نحوی در املا کلمات ترکی می‌نویسیم در لغات وارده نیز به کار بریم یا نه؟

طرفداران نظریه اول معتقدند که لغات ترکی را می‌توان مطابق ملفوظ آذربایجانی و با دخالت دادن مصوت‌های نه‌گانه نوشت ولی در مورد لغات وارده از زبان عربی و فارسی و غیره، به همان شکلی که در فارسی مرسوم است باید نوشت. نظریه گروه دوم چنین است: در متن همه کلمات اعم از اینکه ترکی و یا غیرترکی باشند، مصوت‌های نه‌گانه آذربایجانی را باید به کار برد.

مبانی خط آذربایجانی

پایه خط مورد قبول هر دو گروه خط عربی است، با اصلاحاتی که بر حسب ضرورت در زبان فارسی در آن به عمل آمده است. و به اضافه اصلاحاتی که برای نوشتن درست زبان آذربایجانی به ویژه برای نشان دادن مصوت‌ها باید صورت گیرد. بعضی از طرفداران گروه اول با به کارگیری اصطلاح «خط قرآنی» در رد نظریه «آوانگاری» چنین شبهه‌ای را ممکن است در اذهان ایجاد کند که گویا شیوه «آوانگاری» پیشنهادی گروه دوم مغایر با «خط قرآنی» است.

ما این دوستان را می‌شناسیم، چنین القائات غیرعلمی و غیراصولی را در شأن آنها نمی‌دانیم. ولی برای رفع شبهه توضیحات زیر ضروری است: صاحب‌نظرانی هستند که بنا به دلایلی به کار بردن خط لاتین را توصیه می‌کنند. ما به دو دلیل وارد این بحث نمی‌شویم:

اول اینکه، شرایط سیاسی موجود در کشور ما مطلقاً مساعد با طرح این مسئله نیست.

دوم - امتیاز عمده الفبای لاتین در این است که مصوت‌ها هم با حروف خاص نوشته می‌شوند. ما برای رفع این نقصان در خط عربی با تعیین حرف بر پایه خط عربی برای صایته‌ها، این خلا را پر کرده‌ایم، به نحوی که با این اصلاح می‌توان در نگارش کلمات در زبان آذربایجانی همه صداها را وارد پیکره کلمه نمود. بدین طریق ایراد موجود در الفبای عربی مرتفع می‌گردد.

در پاره‌ای از نوشته‌های گروه اول ضمن رد نظریه طرفداران خط لاتین به استناد لزوم «رسم‌الخط قرآنی»، طرفداران نظریه «آوانگاری» را با طرفداران گذر به خط لاتین در یک ردیف قرار می‌دهند.

ما به اتکا دلایل علمی و عینی به درستی نظریات خود را تأکید می‌کنیم:

مرور اجمالی به مراحل تکامل رسم الخط زبان عربی که با تفصیل نیز در مقدمه «آذربایجان دیلی نین یضاحلی لوغتی» آمده، ضروری است.

«قرآن مجید» به صورت کتبی نازل نشده، و هیچ خطی را به رسمیت اعلام نداشته است. نزول آن لفظی بود که بعداً با خط کوفی به تحریر درآمده است. و لذا چیزی به نام «رسم الخط قرآنی» نمی‌تواند صحیح باشد. مگر آن که بگوییم رسم الخط فعلی عربی به مرور زمان و در انس و عادت چنین تصور شده است.

در هر حال خط کوفی ۲۲ حرف صامت داشته و فاقد حرکه و نشانه‌ای برای صایته‌ها بوده است.

قرائت درست متن «قرآن کریم» از واجبات است. برای نیل به این مقصود در قرون بعدی با افزودن نقطه و حرکه و تدوین قواعدی برای نشان دادن چند صوت صدادار دگرگونی اساسی در رسم الخط عربی به وجود آمد.

ایرانی‌ها حروف «پ، چ، ژ، گ» را که در زبان عربی کاربرد نداشت و لذا در ردیف الفبای عربی نیامده بود، بر حسب ضرورت برای نوشتن زبان فارسی با خط عربی، با افزودن نقطه و سرکش بر پایه خط عربی ابداع کردند. به این ترتیب نه تنها گناهی مرتکب نشدند، بلکه الفبای عربی نیز غنی‌تر و برای نوشتن زبان فارسی آماده گردید.

اینک ما آذربایجانی‌ها بر حسب مقتضیات زبان ترکی با تعیین حروف صایت مورد نیاز زبان مادری بر پایه خط عربی و افزودن علایم مشخصه و نوشتن آن حروف در جای خود در کلمات، گام دیگری برمی‌داریم که خط عربی را تقویت نموده و آن را برای رعایت اصل «تطابق ملفوظ با مکتوب» آماده می‌سازد.

این تحول اساسی و بس گران‌بها در تکامل خط عربی است که با دخالت دادن حروف صایت در نگارش زبان آذربایجانی، اصل «تطابق ملفوظ و مکتوب» سهولت یادگیری املا را تأمین می‌کند. ابتکاری است که با تعمیم دادن آن در نگارش زبان آذربایجانی، می‌تواند تحول مشابهی در نگارش سایر زبان‌ها که بر پایه خط عربی است، راهگشا باشد.

تصرف ایرانی‌ها در رسم الخط عربی

مبادله لغت بین زبان‌های مختلف، از طریق معتقدات دینی، روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی،... واقعیت مسلمی است. و این اصل که لغات وارد شده تحت تأثیر

زبان میزبان از قواعد دستوری آن (قواعد آوایی، صرف و نحو) پیروی می‌کند، نیز مورد تأیید زبان‌شناسان است.

مبادله لغت بین زبان‌های عربی و فارسی و ترکی رایج بوده و البته لغات وارده از زبان عربی به دو زبان دیگر به علت جذبه و قدرت دینی و قرن‌ها حاکمیت عرب‌ها فوق‌العاده بوده است.

ایرانی‌ها با قبول خط زیبای عربی علاوه بر افزودن چهار حرف «پ، چ، ژ، گ» به الفبای عربی بنا به مقتضیات زبان فارسی، تغییراتی در املاهای آن داده‌اند، به ویژه در دهه‌های اخیر که تحصیل به زبان فارسی در ایران عمومی شده، افزایش انتشار مطبوعات و کتب و گسترش سایر رسانه‌های عمومی، و توده‌ای شدن سوادآموزی ... دگرگونی‌های فراوانی در رسم‌الخط لغات دخیل عربی داده و آن را تا حدودی منطبق با احتیاجات و مقتضیات زبان فارسی نموده‌اند. به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: (در سمت راست رسم‌الخط عربی در سمت چپ نگارش فارسی آمده است).

- قرآن / قرآن

- وضو / وضو

- صلوة / صلوات

- زکوة / زکات

- حیوة / حیات

- وزراء / وزرا

- انشاء، املاء / انشاء، املا

- عباء، هواء / عبا، هوا

- ابتداء، انقضاء / ابتدا، انقضا

- مسائل، شمائل / مسایل، شمایل

- عوائد، فوائد... / عواید، فواید

- آئینه / آینه

- مملو / مملو

- تکافوء / تکافو

- قضاة، دواة / قضات، دوات

- اعلى، مبتلى، تماشى... / اعلا، مبتلا، تماشا

- غفلة، دفعة / غفلتا، دفعتا

- عادة، حقیقه / عادتاً، حقیقتاً

- رحمن / رحمان

- اسمعیل / اسماعیل

- اسحق / اسحاق

پاره‌ای از این کلمات به تعبیری مخصوص رسم‌الخط قرآن است که هم عرب‌ها و هم ایرانی‌ها آن را به صورت دیگر می‌نویسند (رجوع کنید به صفحه ۱۷۳، مقدمه لغت‌نامه دهخدا).

در املائی زبان فارسی هم در طی قرون تحولاتی صورت گرفته است. مقال:

بوذ / بود

طهران / تهران

مقناطیس / مغناطیس

اصطخر / استخر

طپانچه / تپانچه

طوس / توس

لغات وارده از زبان‌های فارسی و آذربایجانی به زبان عربی نیز مطابق گویش

عربی دگرگون شده است:

- تبدیل گ به ج: بزرگمهر / بوذرجمهر

زنگان / زنجان

- تبدیل پ به ب و ژ به ز و چ به ج: آذربایگان ← آذربيجان

همه این شواهد نشان‌دهنده این است که کلمه دخیل تابع قواعد دستوری

زبان میزبان است و در کتابت نیز این دگرگونی خود را نشان می‌دهد.

اگر همه مصادیق نمونه‌های فوق‌الذکر مربوط به تغییرات املائی کلمات

دخیل در زبان فارسی را برشماریم و دگرگونی‌های املائی فارسی را بر آن بیفزاییم،

خواهیم دید که چهره املائی فارسی در مقایسه با املائی عربی و حتا با املائی قدیم‌تر

فارسی در مقیاس کلی تغییر یافته است.

پژوهشگران زبان فارسی لزوم این تغییرات را تصدیق نموده و آن را نشانه

استقلال زبان فارسی و حفظ هویت زبان فارسی دانسته‌اند. (برای اطلاع از نظریات این

پژوهندگان به مقالات ضمیمه مراجعه فرمایید).

بررسی زبان آذربایجانی نیز صحت این اصول دگرگونی در تلفظ و لزوماً نگارش آن را تأیید می‌کند. بخصوص «قانون هماهنگی اصوات» در زبان آذربایجانی امروز با قدرت فوق‌العاده، عام و استثناناپذیر و قانونمند خود کلمات دخیل را در سیطره قواعد خود دگرگون می‌سازد. که باید در نگارش نیز انعکاس خود را باز یابد.

یگانگی در نگارش و قواعد املائی واحد

چندگونگی در املائی امروزی زبان آذربایجانی حادثه‌ای ناخوشایند و دغدغه‌انگیز است. مقصود و کوشش همه از بین بردن این چندگانگی و یافتن راه‌حلی برای نیل به تنظیم قواعد املائی واحد است. وضع آشفته کنونی نتیجه آگاهی به نارسا بودن املائی کنونی بوده و دوره گذرایی است که در نتیجه تلاش آگاهانه کوشندگان در راه اعتلای زبان آذربایجانی به ثمر خواهد رسید.

وحدت و یگانگی در شیوه و قواعد نگارش مربوط به یک زبان است و نه دو یا چند زبان مختلف. اشتباه است اگر افرادی یگانگی در املائی دو زبان را پیش بکشند. این امر شدنی نیست و مقایسه املا در دو زبان و طرد دوگانگی املا در بین آنها معقول و منطقی نمی‌باشد. مثال‌هایی که در بالا در مبحث تصرف ایرانیان در املائی زبان عربی گفتیم این حقیقت را نشان می‌دهد.

ولی در زبان فارسی این یگانگی در نگارش ممکن است و باید باشد. در زبان فارسی قاعده این است که «ة» (ت گرد) عربی در نوشتار فارسی به «ت» تبدیل می‌شود. یا همزه‌های آخر کلمات عربی که در فارسی تلفظ نمی‌شود در املا نیز حذف شود....

و یا حروف مختص کلمات عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع) در کلماتی که ریشه فارسی دارند به کار برده نشود و اگر در گذشته مرسوم بوده، متروک گردد....

این قواعد در زبان فارسی عمومیت می‌یابد و املائی واحد را به وجود می‌آورد. در حالی که اختلاف و دوگانگی بین املائی کلمات دخیل عربی در زبان فارسی و طرز املائی آن واژه‌ها در عربی باقی است.

در نگارش زبان آذربایجانی نیز یگانگی در شیوه و قواعد املائی زبان آذربایجانی است. لغات دخیل هم عضو زبان میزبان محسوب می‌گردند و از حقوق و تکالیف دستوری زبان میزبان تبعیت می‌کنند. به این چند لغت توجه فرمایید:

املائی فارسی		آوانگاری ترکی	
تلفظ دو حرف اول			
فارسی	ترکی		
Məh	Məh	محبوب ^۱	محبوب
Mah	Məh	ماحال	محال
Meh	Meh	منحراب	محراب
Möh	Meh	مؤخت	محنت
Məh	Moh	محبّت	محبت
Müh	Moh	مؤحاریبه	محرابه
Möh	Moh	مؤحکم	محکم

در کلمات اختیاری و نمونه دو حرف اول در فارسی «مح» نوشته شده و حرف اول بر حسب مورد با سه صدای کوتاه ' خوانده می‌شود. در زبان آذربایجانی هجای اول این هفت کلمه با ۶ مصوت تلفظ می‌شود.

اگر ما این کلمات را با شکل املائی فارسی در آذربایجانی بنویسیم، باید دو حرف «مح» را با ۶ صایت مختلف بخوانیم. حل این معما فقط به این صورت خواهد بود که با تمرین‌های مکرر تلفظ لغت، هیئت مکتوب آن، معنای آن را به حافظه بسپاریم و در هر مورد نه از شکل کلمات نوشته شده بلکه از حافظه کمک بگیریم. و اگر این شکل را درباره هزاران لغت دخیل به کار بریم، دشواری‌ها سر به فلک می‌زند. طبعاً این شیوه سماعی کهنه شده است.

اگر ۹ حرف مصوت را در کلمه بنویسیم، خواندن و نوشتن آن نیازی به تفکر و مراجعه به حافظه نخواهد داشت.

مسئله دیگر در این زمینه را بررسی می‌کنیم:

^۱ - کلمه ابتدا به ساکن در آذربایجانی نداریم و چون بعد از حرف اول مصوت‌ها با حرف مشخص نوشته می‌شود، لذا در آوانگاری اگر بعد از حرف اول کلمه مصوت نوشته نشده باشد، با فتحه خوانده می‌شود.

در نوشتار مرسوم کلمات زبان آذربایجانی کم و بیش مصوت‌ها (اگر چه با نشانه‌های متفاوت) در کلمه وارد می‌شود و نوشته می‌شود. یعنی «ؤ، و...» را می‌نویسیم. و مصوت «ؤ» را قبول کرده‌ایم. کلمه ترکی را با استفاده از این مصوت می‌نویسیم: گؤز اگر کلمه دخیل عربی را در ترکی هم به شکل املائی فارسی آن بنویسیم: (مَحکَم) مصوت آن مستتر باقی خواهد ماند. یعنی مصوتی را که قبول کرده‌ایم، نمی‌نویسیم...

هزاران لغت دخیل در زبان آذربایجانی، اگر به شکل املائی فارسی نوشته شوند در حالی که متقابلاً ده‌ها هزار کلمات ترکی با دخالت حروف مصوت نوشته شوند، دوگانگی املا در زبان آذربایجانی اسفانگیز خواهد بود.

در این صورت طبعاً زبان آذربایجانی که مفتخر است یکی از زبان‌های باقاعده دنیا است، با قبول دوگانگی در املا، «هزارش» دو هزار سال پیش را به یاد خواهد آورد. از سوی دیگر با نوشتن کلمات وارده به شکل املائی فارسی، مشکلات و نارسایی املا در آن زبان را وارد زبان مادری خواهیم کرد.

در زبان فارسی علاوه بر اینکه اغلب مصوت‌ها مستتر است، آنچه که هم نوشته می‌شود مغشوش است: «خود، خدا» (خوَد، خوِدا) و یا نوشته‌ای به شکل «خود» تلفظ و معانی مختلف دارد: «خوَد، خود». بنابراین برای ایجاد وحدت و یکسانی در طرز نگارش زبان آذربایجانی باید قاعده «جامع و مانع» به کار برد.

خلاصه اینکه برای ۹ مصوت حرف مشخصی معین کرد و آن را در داخل کلمه نوشت. این قاعده برای لغات خودی و دخیل یکسان حاکم خواهد بود.

معیار سنجش

هر زبانی از لهجه‌های مختلفی تشکیل شده است. لهجه‌ها یا مختص یک منطقه و یا گروهی از افراد طایفه و عشیره است. زبان ادبی در مراحل تکوین و تکامل از اختلاط این لهجه‌ها و با سلطه یک لهجه شکل می‌گیرد که زبان ادبی و یا زبان معیار نامیده می‌شود. و از طرف دیگر زبان معیار همه کسانی که با لهجه‌های مختلف به آن زبان مکالمه می‌کنند به عنوان زبان عمومی پذیرفته می‌شود و لغات دخیل نیز به شکلی که در زبان ادبی، بر اساس قواعد زبان پذیرفته شده، عضو زبان معیار است. زبان معیار در مراحل تکامل خود تطور و تحول می‌یابد.

معیار سنجش، زبان ادبی است.

مثال: در زبان فارسی «نماز» درست است و در زبان آذربایجانی «ناماز».
برخی منشا لغات وارده را معیار سنجش قرار می‌دهند. اگر کسی در زبان فارسی «زکوة» عربی را «زکات» بنویسد او را خطاکار می‌دانند. در حالی که در فارسی «زکات» مطابق زبان معیار است. کلمه «مهر» فارسی در زبان ادبی آذربایجانی «مؤهور» است. به هیچ طریقی «مهر» را نمی‌توان «مؤهور» خواند.

نوآوری و عادت کهن

گاهی برای نوشتن کلمات دخیل در آذربایجانی با هیئت کتابت فارسی چنین استدلال میکنند که چون تحصیلات ما به زبان فارسی بوده و چشم و حافظه ما به شکل املائی این کلمات عادت کرده است، لذا این لغات دخیل را به همان شکل فارسی بنویسیم، سهل‌تر خواهد بود.

این دلیل تراشی درباره تحصیل کرده‌های دیپلم و به بالا می‌تواند صدق بکند. ولی قواعد املائی برای این عده از روشنفکران تصویب نمی‌شود. بلکه برای عامه مردم و اطفال نوآموز اتخاذ تصمیم می‌شود و خود این گروه از روشنفکران هم در صورت دقت نظر با به کار بردن ۹ علامت مصوت در کتابت با راه‌حل یکنواخت کردن نگارش آذربایجانی آگاهانه موافقت خواهند کرد. و کسب مهارت در به کار بردن مصوت‌ها در کتابت برای این گروه از تحصیل کرده‌ها در اندک زمان میسر است.

نوشتن کلمات دخیل به شیوه فارسی در زبان آذربایجانی معضلی است برای نوآموزان، سوادآموزان و توده‌های کم‌سواد. اینها منشا لغات را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که ریشه لغت مورد نظر عربی، فارسی و یا... است و نمی‌دانند در آن زبان‌ها و یا فارسی چگونه نوشته می‌شوند. این گروه که اکثریت زبان‌آموزان را تشکیل می‌دهند از «قانون هماهنگی اصوات» و قواعد دیگر زبان مادری آگاهی ندارند که بگوییم حروف مصوت را «در صورت لزوم» با علامت مشخصه نشان بدهیم و یا فقط در هجای اول به کار ببریم...

برای این گروه باید فکری کرد. مخاطب هر قاعده‌ای باید این گروه باشد. به شرایطی باید اندیشید که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، خواسته ترک‌زبانان ایرانی جامه عمل بپوشد و در سه کلاس و یا در مقطع ابتدایی تدریس فقط به زبان آذربایجانی باشد و زبان فارسی و عربی در مقاطع بالاتر جز دروس اجباری تدریس شود. در این صورت چگونه به نوآموز تفهیم خواهیم کرد که مثلاً نصف

کلمات را با قاعده‌ای که مصوت‌های آن مشخص است بنویس و نصف دیگر کلمات را با املائی بی قاعده؟!

هر اندازه تحصیلات و سواد همگانی شود، زبان به سادگی میل می‌کند و در زمینه املا نیز این اصل یک ضرورت است و باید راه‌حل‌های نوین علمی و منطقی و مطابق با مقتضیات زبان مادری اندیشید.

واپسگرایی، و در جا زدن در بند عادت و سنت‌های کهنه و مغایر با احتیاجات زبان محکوم به شکست است.

روزی افتتاح مدرسه به سبک جدید از طرف رشديه و زمانی دیگر شعر نو نیمایی با مقاومت‌های جانکاهی مواجه شد. رشديه را تکفیر کردند و ملک‌الشعرای عصر، نیما را محکوم و طرد کرد. امروز در هر ده مدرسه‌ای دایر است و شعر نیمایی راه خود را باز کرده است.

روشنفکران روشن‌بین ما ضرورت‌ها را تشخیص خواهند داد و برای یکنواخت کردن املائی با قاعده زبان آذربایجانی سهل‌ترین راه عملی و منطقی را معمول خواهند ساخت.

آیا اصلاح خط موجب گسیختگی ارتباط ما با گنجینه ادبیات گذشته خواهد بود؟

دوستی اظهارنظر می‌کرد که تبدیل خط عربی به خط لاتین در بعضی از کشورها باعث شده که نسل موجود نتوانند از گنجینه ادبیات مکتوب گذشته خود استفاده کنند، به طور ضمنی اصلاح خط عربی را نیز دارای چنین عواقبی تلقی می‌کرد. نسخ خطی که از گذشتگان باقی مانده معدود است و در دسترس همگان قرار ندارد و استفاده مستقیم از این نسخ خطی هم کار همه کس نیست. معمولاً پژوهشگران دانشمند آنها را بررسی و تصحیح و تنقیح کرده، افتادگی‌ها، لغزش‌ها و سهل‌انگاری کاتبان را اصلاح نموده و سپس با املائی امروز چاپ کرده و در دسترس علاقمندان قرار می‌دهند و به این طریق نسل موجود از گنجینه ادبی گذشتگان بهره‌مند میگردد. تصحیح متون گذشته بر عهده متخصصین فن است، معذک ما شاهد هستیم قرائت‌های مختلف از یک شعر به وسیله پژوهشگران ارائه می‌شود. آثار حافظ و نظامی و فضولی و... به این طریق به دست ما می‌رسد.

کتاب دده قورقوت، شاهکار ادبی ترکی را در نظر بگیریم. از نسخه منحصر به فرد درسدن دو متن در ایران به زبان ترکی چاپ شده است. تفاوت این متن‌ها قابل توجه است. در هر یک از این کتاب‌ها صفحه‌ای از نسخه خطی کلیشه شده، خواندن این فتوکپی آسان نیست. قرائت‌هایی که از طرف دانشمندان قورقوت‌شناس مشهور مانند بارتولد، آراسلی، گوک‌یای، محرم ارگین و سایرین شده و در آنها اختلاف قرائت وجود دارد. پاره‌ای لغات کهنه و مطرود را با لغات مأنوس جانشین ساخته‌اند. واژه‌نامه‌ای در پایان کتاب آورده‌اند و برای اینکه کتاب برای همه قابل استفاده باشد، متن کتاب را به زبان ادبی معاصر بازنویسی و چاپ کرده‌اند.

اصولا املا و انشای هر زبانی در گذر زمان تغییر و تطور می‌یابد و چهره آن دگرگون می‌شود. مثلا نوشتن حروف خاص عربی در کلمات فارسی رواج داشته، امروزه متروک شده و واژه‌ها و اصطلاحات زیادی از رده خارج گردیده و واژگان جدیدی در زبان پدید آمده، جمله‌بندی و طرز بیان به سادگی گراییده است.

نوشتن صایته‌ها در کلمات تغییری در معنا و مفهوم نمی‌دهد. و چون آموزش زبان فارسی هم اجباری خواهد بود، قرائت شکل قدیمی املائی متون قدیمی برای دارندگان تحصیلات عالی مشکل نخواهد بود.

تأکید می‌کنم که استفاده مستقیم از متون قدیم در تخصص کارشناسان و دارندگان تحصیلات عالی است که مایه این کار را دارند و توده مردم از متن چاپی این آثار با املائی مرسوم روز استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر قرائت متون گذشته در هر حال، چه خط اصلاح شود و چه نشود، مشکلات خود را دارد که حل آن به تلاش کوشندگان و محققان بسته است و به موضوع خط ارتباط پیدا نمی‌کند.

دگرگونی لغات دخیل

زبان‌شناسان عقیده دارند که لغات وارده عضو زبان میزبان می‌گردد و از قواعد دستوری (قواعد مربوط به آواشناسی، صرف و نحو) زبان میزبان پیروی می‌کنند. به قول استاد بهمینار لغات عربی وارده به زبان فارسی «از ریشه خود جدا می‌شود» و «خواص عربی خود را از دست می‌دهد».

به عبارت دیگر این لغت نمی‌میرد، بلکه از ریشه قواعد زبان میزبان تغذیه می‌کند و رشد جدیدی را آغاز می‌کند.

مثلا کلمه «عقل» در زبان آذربایجانی «عاغیل» تلفظ و نوشته می‌شود. «ق» تبدیل به «غ» می‌گردد و حرف مصوت «ی» بین دو کلمه ساکن قرار می‌گیرد. این تغییرات طبق قواعد آوایی زبان آذربایجانی الزامی است.

ماده این لغت پس از آنکه هویت ترکی گرفت، با پذیرش پیوندها مانند هر کلمه آذربایجانی اشکال مختلف به خود می‌گیرد و معانی معینی را افاده میکند: عاغلا باتان، عاغیللی، عاغیللی، عاغلی، آزماق، آغلینی، ایتیرمک، عاغیلسیز (لیق)، عاغیلسیزلاشماق و...

دگرگونی لغات وارده به زبان آذربایجانی در آسیاب «قانون هماهنگی اصوات» آذربایجانی که یکی از ممتازترین مشخصه‌های زبان ترکی است و ریتم و موسیقی تلفظ آهنگین زبان را تنظیم میکند، دگرگون شده و با آمیختن با کره و شکر «پیوند»ها، این معماران توانمند زبان آذربایجانی، انواع شیرینی‌های خوشمزه را آماده می‌سازند. این شیرینی «عربی» نیست، آذربایجانی است.

به منظور نشان دادن کثرت این دگرگونی در لغات وارده و مشکلاتی که در املا ایجاد می‌کند، تعداد بیشتری مثال می‌آوریم. این مثال‌ها منحصر به تغییرات در ماده اصلی لغت بوده و برای پرهیز از اطناب مطلب از تغییراتی که پیوندها به وجود می‌آورند، صرف‌نظر می‌گردد:

- حرف «ق» در کلمات فارسی وجود ندارد و اگر از طریق زبان عربی و ترکی در ردیف الفبای فارسی قرار گرفته، تلفظ آن مثل «غ» است. در فرهنگ معین حروف لاتین به کار برده شده برای نشان دادن تلفظ صحیح واژه‌ها برای این دو صامت یک حرف لاتین به کار می‌رود، اما در زبان آذربایجانی این دو صامت در دو گروه مختلف قرار می‌گیرند. «ق» صامت نیمه‌طنین‌دار، پسین‌کامی و انفجاری است و «غ» صامت طنین‌دار، پسین‌کامی اصطکاکی است. تلفظ این دو صامت متفاوت و مشخص است.

بنا به قواعد آوایی زبان آذربایجانی حرف صامت «ق» در بین دو مصوت به «غ» تبدیل می‌شود، یعنی تلفظ آن تغییر میکند. مثل: باشماق ← باشماغی، کلمه عربی «عقل» هم به تبعیت از این قانون «عاغیل» می‌گردد.

از طرف دیگر در زبان آذربایجانی صامت «غ» در اول کلمه نمی‌آید و اگر کلمه وارده با «غ» شروع شده باشد، در آذربایجانی «غ» به «ق» بدل می‌گردد. غنیمت ← قنیمت.

- در لغات وارده که دو صامت پشت سر هم قرار داشته باشد، طبق تداول آذربایجانی بین دو صامت یک حرف صایت اضافه می‌شود و باید در کتابت هم مشخص شود.

عقل ← عاغیل، بیر ← بیبر، پودر ← پودور، تخم ← توخوم، قلع ← قالای، قفل ← قیفیل، بذر ← بذیر، نقل ← نوغول...

- تبدیل «آ» به «و»، «ا»: طاووس ← تووز، چنگال ← چنگل.

- تبدیل «آ» به «آ»؛ «ی، ی»: کلاف ← کالاف، آدم ← آدام، اذان ← آذان، جوان ← جاوان، آشپز ← آشپاز، بهانه ← باهانا، کافر ← کافتیر، شفاهی ← شیفاهی، فراوان ← فیراوان، فندق ← فیندیق، کاغذ ← کاغیذ.

- تبدیل «ا» به «آ، و، ی، ی»: پارچه ← پارچا، مهمیز ← ماهمیز، مرشد ← مؤرشود، اجاره ← ایجاره، اذن ← ایذین، امام ← ایمام، املا ← ایملا، باطل ← باطیل، کتاب ← کیتاب، تالش ← تالش، شاطر ← شاطیر، بریان ← بۆریان، پسته ← پۆسته، احتکار ← اثحتیکار.

- تبدیل «و» به «و، و، و، ی، ی»:

کوچه ← کۆچه، کوره ← کۆره، دوست ← دوست، کور ← کۆر، کوک ← کۆک، شرور ← شریر، کاهو ← کاهی.

- تبدیل «و» به «ا، و، و، ی، ی»:

اولاد ← اولاد، مراد ← مؤراد، مردار ← موردار، استاد ← اوستاد، اجرت ← اوچرت، بلبل ← بۆلبۆل، تند ← تۆند، گل ← گۆل، مبارزه ← مۆباریزه، مسافر ← مۆسافیر، بهتان ← بۆهتان، بحران ← بؤحران، کمک ← کۆمک، نازک ← نازیک، مرده‌شور ← میرده‌شیر، قفل ← قیفیل، گلوله ← گۆلله.

- تبدیل «ی» به «ا، و، ی»:

کرسی ← کۆرسۆ، پیشه ← پئشه، پیشکش ← پئشککش، میخ ← میخ، ناشی ← ناشی،

- حذف تشدید:

مروت ← مۆروت، مظنه ← مظنده (مزنده)

- تغییر شکل یا تحریف واژگان وارده:

آبرو ← آبیر، احمق ← آخماق، آسان ← هاساند، بالش ← بالئینج، وبال ← بابال، بدیهه ← بدیهه، بخیل ← پاخیل، پشیمان ← پئشمان، رشته ← اریشه، زیرک ←

زیرنگ، سبک ← سپک، طمع ← تاماه، طویل ← توئله، ترک کردن ← ترگیتمک،
ظلم ← ظولوم، عمر ← عؤمؤر، عیب ← آئییب، غذا ← قئدا، فعله ← فهله، فقیر ←
فاغئیر، فایده ← فایدا، قضا ← قادا، قلعه ← قالا، دفعه ← دفه، مسئول ← مسول،
کثیرا ← کیتره، کلوجه ← کؤلجه، گوگرد ← گوگؤرد، لعاب ← لوغاب، متاع ← ماتاه،
مسجد ← مچید، وقت ← وخت، مهر ← مؤهؤر.

واژگان ترکی که در زبان فارسی به کار برده می‌شود، اگر در آذربایجانی به
تقلید املائی فارسی نوشته شود، نقض غرض است و اگر مطابق زبان معیار آذربایجانی
نوشته شود، به نظر طرفداران گروه اول دوگانگی در املائی فارسی و آذربایجانی به
وجود می‌آید: چپق ← چوبوق، اجاق ← اؤجاق، خانم ← خائیم، ایل ← ائل...

این رشته سر دراز دارد و ما به همین نمونه‌ها بسنده می‌کنیم. محاسبه
مصادیق این دگرگونی‌ها ما را به تفکر وادار می‌کند و کثرت آن را اشکار می‌سازد. فقط
به شرط قربانی کردن قواعد دستوری زبان مستقل و قانونمند آذربایجانی می‌توان
واژگان وارده را با املائی منشا آنها و یا املائی فارسی نوشت.

خواندن این لغات با شیوه تلفظ آذربایجانی معمای دیگری است. نقل را
نوغول، گلوله را گؤله، متاع را ماتاه، قفل را قئفل و... واژگانی که در بالا آورده شده،
نمی‌توان با املائی فارسی نوشت ولی مطابق تلفظ آذربایجانی خوانند و بالعکس.

می‌گویند ما اگر این کلمات را به همان شکل املائی فارسی بنویسیم، هر
آذربایجانی آن را مطابق تلفظ ترکی خواهد خواند. اولاً چنین نیست و دگرگونی در
اغلب واژه‌های دخیل آن قدر عمیق است که چاره‌ای نیست که آن نوشته را با تلفظ
فارسی بخوانند و زبان آن به زبان ما معلوم است. ثانیاً چه اجباری وجود دارد که کلمه
را به شکلی بنویسند که خواننده آن را غلط تلفظ کند و مورد تمسخر قرار گیرد!

با توجه به گستردگی کلمات دخیل و الزام به نوشتن آنها به شکل املائی
فارسی و نوشتن نیمه دیگر که کلمات آذربایجانی است، با آوانگاری، دوگانگی در
املائی زبان واحد که گرفتارش هستیم، ادامه خواهد یافت.

یکی از دلایل طرفداران نوشتن کلمات وارده با املائی فارسی این است که
قبل و بعد از سال ۱۳۲۰ و به ویژه در دوره حکومت ملی هم همین رویه مرسوم بوده
است.

این درست است و نیازی به ردیف کردن اسامی نویسندگان آن نیست. شاهد زنده آن نویسنده این مقاله است که در رزونامه‌های آذربایجان و بشیر آینده در سال‌های ۱۳۳۰ روش دوره حکومت ملی را ادامه می‌دادیم.

در سال‌های قبل از مشروطیت به علت سلطه زبان عربی، زبان فارسی هم در مقابل آن سر فرود آورده بود... بعد از سال ۱۳۲۰ اگر چه آزادی نسبی به وجود آمد، ولی مدت آن کوتاه بود و کادر کم. همین قدر که همزه را به جای کسره و «ه» غیر ملفوظ را برای فتحه و به ویژه حرف «و» را وارد املا کردند، کار بزرگی بود. به علاوه در دوره حکومت ملی حتا از استعمال لغات ادبی ترکی تعمداً خودداری می‌کردند تا بهانه به دست مفتریان ندهند که بگویند اینها «تجزیه‌طلب» هستند.

پس از انقلاب اسلامی آزادی بیشتری برای انتشار مطبوعات و کتاب به زبان آذربایجانی داده شد و حقوق ملی اقوام طبق قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. گسترش مطبوعات چندگونگی و مغشوش بودن نگارش را آشکار ساخت و بحث‌تئوریک و نظری در این زمینه آغاز گردید.

نظریه چند تن از شخصیت‌های صلاحیت‌دار را خاطر نشان می‌سازد:

دکتر حمید محمدزاده طرفدار آوانگاری کلمات ترکی بود و واژگان دخیل را به شکل املائی فارسی می‌نوشت. ایشان درباره آوانگاری در مقدمه کتاب «آذربایجانجا-فارسجا سؤزلوک» می‌نویسد:

«مؤلف برای نشان دادن درست تلفظ کلمات به جای اینکه از اعراب و یا الفبای لاتین استفاده بکند، برای ۹ صایت موجود در زبان آذربایجانی از علایمی که در این اواخر در مطبوعات و به خصوص در مجله «وارلیق» استفاده می‌شود، با تفاوت‌هایی چند، حرف تعیین کرده. می‌توان گفت که به فونتیک کردن الفبای ما یعنی نوشته شدن تمام صایتهای نایل گردیده و توانسته تلفظ صحیح همه کلمات را تأمین نماید.»

دکتر زهتابی و دکتر نطقی از پیشگامان «آوانگاری» زبان آذربایجانی هر یک نشانه‌هایی برای الفبای «آوانگاری» تهیه و پیشنهاد نمودند و نوشتن کلمات ترکی را با شیوه آوانگاری تشویق نمودند.

در مورد لغات دخیل دکتر زهتابی عقیده داشت که به استناد قانون هماهنگی اصوات، هجای اول کلمه مطابق قواعد آوانگاری نوشته شود، دکتر نطقی معتقد بود که

هجای اول کلمات وارده به صورتی که در فارسی است، باقی بماند و بقیه مصوت‌های کلمه مطابق قاعده آوانگاری نوشته شود.

دکتر نطقی به صراحت مرقوم داشت، در مورد طرز نگارش کلمات دخیل «هله‌لیک = عجالتاً»، در شرایط فعلی «حد وسطی» را پذیرفتیم (که در بالا به آن اشاره شد).

بیان هر دو استاد صراحت دارد که به طور اصولی به نوشتن کلمات وارده با قواعد آوانگاری تمایل داشته‌اند. در شرایط آغازین این اقدام تغییرات محدودی را پیشنهاد می‌نمودند.

آموزش و مسئله املا

از ذکر مصیبت درباره محرومیت ترکان ایرانی از تحصیل به زبان مادری خودداری نموده و سخن در موضوع آموزش و املا را یادآوری شعار یونسکو که مورد تأیید دانشمندان تعلیم و تربیت است، آغاز می‌نماید: «تحصیل، به ویژه آموزش ابتدایی با زبان مادری».

آموزش نوشتن و خواندن به دانش‌آموزان خردسال، نوآموزان و کم‌سوادها... باید با کلمات ساده زبان مادری آغاز گردد. به او الفبا و به کار بردن اولیه آنها را با کمک لغات محسوس برگرفته از زبان مادری بدون هر نوع توضیح درباره قاعده دستوری آموزش داده می‌شود.

آنها خالی‌الذهن از مفاهیم دستوری و منشا لغات بوده و در کلاس‌های بالاتر قواعد دستوری را به تدریج خواهند آموخت.

آموزش الفبا و کاربرد آن به نوآموزان باید با دقت و ظرافت خاصی تدریس شود. مثلاً صوت «آ» به دو صورت «آ، ا» در کلمه آت و آتا و نظایر آن یاد داده می‌شود. چگونه به او باید تفهیم کرد «آدم» را «آدام» بخوانند؟! یا مثلاً حرف «ق و غ» را در کلمه قاب، باغ به او یاد می‌دهیم. چگونه به او بگوییم که کلمه غم همان «قم» است؟!

ساده‌ترین راه آموزش به نوآموز نوشتن حروف صایت در کلمه است و این قاعده در عمل باید بر همه لغت‌ها یکسان اجرا گردد تا از سردرگمی او جلوگیری شود. از هر نوع ابهام باید پرهیز کرد.

در سال‌های تحصیلی بالاتر است که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و مشترک و زبان عربی به عنوان زبان دینی و بانفوذ در تبادل آذربایجانی باید آموخته شود. این زبان‌ها با قواعد خاص خود باید آموزش داده شود. نوآموز در این مرحله قادر است که تفاوت زبان‌ها را تشخیص دهد و بداند که آنچه که در آذربایجانی «آدام» یادگرفته، در فارسی و یا عربی «آدم» تلفظ و نوشته می‌شود.

ما در فارسی «صلوات»، «اعلا» یاد گرفته‌ایم، در کلاس بالاتر ضمن درس زبان عربی «صلوة، اعلی» را یاد می‌گیریم و می‌دانیم که اولی در زبان فارسی بوده و دومی در زبان عربی است و مشکلی هم پیش نمی‌آید.

ما باید کاری بکنیم که راه نفوذ بقایای افکار آریامهری را ببندیم. فرضاً اگر در آن زمان کتاب درسی ابتدایی به ترکی نوشته می‌شد، مسلماً یک مشت لغت دخیل را با املائی پیچیده فارسی در کتاب‌ها می‌گنجاندند و اصل آموزش ابتدایی به زبان مادری را مخدوش می‌کردند.

قاعده باید مانع و جامع و ساده و قابل فهم باشد. «و» حرف صوتی است که در کلمه «توب» می‌شنویم.

یادگیری این صوت با املائی فارسی سماعی و بدون قاعده خواهد بود: مو / مؤ (تاک)، مچ / مؤچ، کور / کؤر...!

هنوز که کتاب‌های درسی تألیف نشده، ما باید املائی زبان آذربایجانی را بر پایه قواعد متناسب با مقتضیات زبان مادری، یکنواخت و یکسان برای کلماتی که در آذربایجانی کاربرد دارد، با رعایت اصل تطابق ملفوظ و مکتوب، پایه‌گذاری کنیم و تنها راه حل آن تعیین حرف برای هر یک از ۹ صایت و نوشتن آن در داخل کلمات (خودی و دخیل) می‌باشد.

امید است روشنفکران آذربایجانی مسئولیت تاریخی خود را به درستی احساس نمایند.

آسیمیلاسیون در زمینه املا

اصطلاح آسیمیلاسیون از طرف دکتر شریعتی به طور گسترده توضیح داده شده و در سال‌های اخیر در مطبوعات آذربایجانی هم به کار رفته است. مفهوم این اصطلاح این است که با استحاله تاریخ، زبان و... یک ملت هویت اصلی او را انکار نموده و با قلب شبیه‌سازی‌ها به هویت مورد نظرشان انتساب دهند.

پان آریایی‌های خیال‌باف با تحریف حقایق تاریخی تلاش می‌کنند هویت ترکی اهالی آذربایجان را انکار نموده و آنها را آریایی قلمداد کنند. در برنامه‌های رادیویی خود به زبان آذربایجانی لغات و اصطلاحات فارسی را جایگزین لغات ترکی کرده و در آخر یک فعل ترکی اضافه می‌کردند، تحت عنوان برنامه زبان ترکی. به زبانی برنامه اجرا می‌کردند که ترکی نبود.

اگر در املا برای لغات ترکی شیوه آوانگاری و برای کلمات دخیل که هویت آذربایجانی را یافته‌اند، به شکل املائی فارسی رسمیت داده شود (هر چند که دلسوزانه باشد) راه برای آسیمیلیسیون زبان مادری در املا باز می‌گردد.

خلاصه و نتیجه

زبان ترکی آذربایجانی، زبانی است مستقل، زنده. یکی از قانونمندترین زبان‌های دنیاست، دارای قوانین و قواعد فطری مخصوص خود می‌باشد. این قوانین باید رعایت و حفظ شود.

هر کلمه دخیل طبق نظریه علمی زبان‌شناسان عضو زبان میزبان بوده و باید از قوانین آن تبعیت نماید. زبان ترکی آذربایجانی سلطه قوانین ذاتی خود بر واژگان وارده را در تداول و در ادبیات به اثبات رسانده و در زبان ادبی جمهوری آذربایجان در املا نیز به مرحله اجرا درآمده و ما نیز باید آنچه که در تداول عموم و در زبان معیار ما پذیرفته شده، در کتابت به منصفه ظهور برسانیم.

یگانگی و وحدت در املائی زبان واحد از ضروریات حتمی است. تنها راه منطقی و علمی و عملی آن استفاده از شیوه آوانگاری است. یعنی تعیین حرف برای ۹ مصوت و نوشتن آنها در جای خود در کلمه، اعم از کلمات خودی و دخیل. انجام این وظیفه تاریخی بر عهده روشنفکران آزاداندیش، فعالین ملی و فرهیختگان و شیفتگان زبان مادری است.